

«زن و مطالعات خانواده»

سال پانزدهم - شماره پنجاه و ششم - تابستان ۱۴۰۱

ص: ۱۰۷-۱۲۸

کنترل، پیشگیری و مقابله با خشونت علیه زنان در قوانین موضوعه ایران

امیررضا محمودی^۱

هاله مجیدی^۲

چکیده

خشونت علیه زنان، علاوه بر آسیب‌های وارده به خود بزه دیده و آثار کوتاه‌مدت و بلندمدت آن بر روی زندگی افراد خشونت دیده، با توجه به منزلت و جایگاه حقوقی زنان در هر اجتماعی، دارای عوارض و پیامدهای زیاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... است. بنابراین با توجه به تمامی آثار سوء آن در زمینه‌های گوناگون و به تبع آن به وجود آمدن معضلات و مشکلات حقوقی در رابطه با این پدیده، شناخت قوانین موضوعه در رابطه با کنترل، پیشگیری و مقابله با این معضل دارای اهمیت است. در همین راستا، این پژوهش در ابتدا به بررسی قوانین و مقررات موجود در رابطه با مقابله و کنترل خشونت علیه زنان در قوانین موضوعه ایران پرداخته و با اشاره به وجود تورم قوانین در این حوزه با به چالش کشیدن خلأها و کاستی‌های موجود و عدم هماهنگی‌های لازم بین ارگان‌های تقنینی، اجرایی و قضایی در رابطه با موضوع و حتی بیان نقاط قوت قوانین موجود، موضوع را مورد بحث قرار داده و به این نتیجه رسیده است که تصویب و اجرای قوانین بدون کارشناسی همه‌جانبه و یا تصویب و اجرای قوانین موردی بدون توجه به آثار آنها نه تنها کمکی به پیشگیری و مقابله با خشونت‌های علیه زنان نکرده بلکه موجب تضییع حقوق آنان نیز شده است.

کلیدواژه‌ها: خشونت علیه زنان، حقوق زنان، قوانین موضوعه ایران، تورم قوانین.

۱. استادیار گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، گیلان (نویسنده مسؤول) Amirreza.mahmodi@liau.ac.ir

۲. کارشناس ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، گیلان

مقدمه

خشونت علیه زنان و جرائم مرتبط با آن از موضوعاتی است که همواره در جوامع مختلف و در همه ادوار رواج داشته است و آن در معنای عام عبارت از هر عمل و رفتار خشونت‌آمیزی است که منجر به آسیب جسمی، جنسی و روانی زنان می‌شود. (بخشی سورشجانی، ۱۳۸۵، ۳۳) با در نظر گرفتن این تعریف، این موضوع به‌عنوان یکی از معضلات اجتماعی و حقوقی شناخته‌شده‌ای است که آثار نامطلوبی به جایگاه زنان در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی و... گذاشته است. سابقه طولانی خشونت علیه زنان در جوامع مختلف و آثار زیان‌بار آنکه در برخی از موارد بسیار خطرآفرین است، منجر به اتخاذ راهکارهای مختلفی جهت پیشگیری، مقابله و توقف یا به حداقل رساندن خشونت‌های مبتنی بر جنسیت در قالب قوانین ملی شده است. قوانین مدنی و کیفری در بسیاری از کشورها از جمله ایران به این موضوع توجه کرده‌اند و به همین جهت راهکارهای تقنینی و پیشگیرانه در این خصوص ارائه داده‌اند، حتی راهکارهای ویژه‌ای جهت تسهیل در امر دادرسی نسبت به چنین جرایمی در قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است.^۳ علاوه بر اینها قوانین اختصاصی در قالب حمایت از حقوق زنان و مقابله با خشونت علیه زنان تدوین شده و به اجرا گذاشته شده است. در کنار اینها قوانین بین‌المللی در قالب کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی در خصوص مقابله با خشونت علیه زنان مقرراتی وضع نموده‌اند. اما سؤال اینجاست که این روش‌ها و راهکارها به چه صورت اجرایی شده و توسط کدام مرجع اعمال می‌شود؟ حتی یکی از مهمترین چالش‌ها در رابطه با مقابله با خشونت علیه زنان بحث تعیین مصادیق خشونت و قوانین لازم‌الاجرا است، چراکه امروزه اکثر کشورها از جمله ایران با تورم قوانین^۴ روبروست و شناسایی و اجرای قوانین به‌روز و نسخ نشده امری دشوار است. شناسایی ریشه قوانین و بحث تنقیح قوانین اموراتی هستند که مردم و حتی دستگاه قضایی را با مشکلات عدیده‌ای مواجه ساخته است. همچنین چگونگی اعمال قوانین بین‌المللی در داخل سرزمین نیز مشکلات منحصر به فرد خود را دارد، چراکه بروکراسی تأیید قوانین بین‌المللی در قوه مقننه و همچنین تطبیق آنها با

^۳. تسهیلات و حمایت‌ها هم در مرحله تحقیقات مقدماتی، هم در مرحله دادرسی و هم در مرحله اجرای حکم مورد پیش‌بینی قرار گرفته است.

^۴. تورم قوانین یا همان تصویب بی‌رویه و بی‌حساب و کتاب قوانین و آیین‌نامه‌ها، منشورها و موافقت‌نامه‌های لازم‌الاجرا بدون توجه به اصل موضوع و بدون مطالعه سوابق قوانین موجود می‌باشد که به دلیل ناهماهنگی عملی ارگان‌های صالح در بدنه دولت به وجود می‌آید و باعث سردرگمی مردم و مراجع در مواجهه با موضوعات حقوقی می‌شود. وجود قوانین متناقض و متعارض یکی از مصادیق نقص قوانین و موجد خلأهای غیرقابل‌حل در حوزه‌های حقوقی می‌باشد. حوزه حقوق زنان نیز از این قاعده مستثنا نیست و وجود قوانین و آیین‌نامه‌ها و منشورها و موافقت‌های مختلفی که در این حوزه و در تاریخ‌های متعدد تصویب شده است نه‌تنها تحقیق در این حوزه را با مشکل مواجه ساخته بلکه فضات را در مواجهه با چنین پرونده‌هایی با سردرگمی روبرو کرده است.

شرع و اخلاق حسنه جامعه و سردرگمی در تعیین اجرای آنها از طریق بدنه قوه مجریه و همچنین نظارت قضایی بر اجرای صحیح آنها امری بسیار پیچیده است.

وجود قوانین مختلف در حوزه زنان، مثل قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳، قانون تصویب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۱۳۸۷، قوانین برنامه‌های توسعه، لایحه منع خشونت علیه زنان و ... نشانگر وجود قوانین متعدد در این حوزه است، که هر یک از این قوانین با مقاصد و سیاست‌های مختلفی تصویب شده‌اند و لذا دیدگاه‌ها و رویکردهای غالباً متناقضی را در بطن خود دارند و به نوعی به تورم قوانین در حوزه حقوق زنان و مبارزه با خشونت علیه زنان دامن زده‌اند. بایستی توجه داشت که رفع تورم قوانین با تنقیح قوانین^۵ سامان می‌یابد.

عدم شناخت قوانین موضوعه در حوزه حقوق زنان و مقابله با خشونت علیه آنها یکی از مهمترین دلایل تضییع حقوق زنان است، به طوری که بزه دیده نمی‌تواند از بین مجموعه‌ای پراکنده از قوانین معتبر و یا بی‌اعتبار، راکد و یا اجرایی و مرتبط و یا بی‌ارتباط تشخیص دهد که کدامیک از قوانین می‌تواند در احقاق حقوق وی در قبال انواع خشونت‌ها علیه زنان کاربرد داشته باشد و مسیر دادرسی را بر او هموار سازد. لذا مطالعه کلیه قوانین مرتبط با حوزه مقابله و پیشگیری از خشونت علیه زنان و تشخیص اینکه از بین کلیه قوانین موجود در این حوزه کدامیک از قوانین معتبر هستند، یا دارای ضمانت اجرایی می‌باشند و یا جنبه‌های پیشگیرانه و حمایتی دارند، از قوانین بی‌اعتبار و نسخ شده، راکد و موردی نشانگر نوآوری تحقیق حاضر است، لذا در این تحقیق ما به دنبال ارائه طریق نسبت به چالش‌های فوق‌الذکر با بررسی قوانین مدنی و کیفری و قوانین خاص در مورد مقابله با انواع خشونت علیه زنان هستیم.

^۵ تنقیح یا پاکسازی قوانین معمولاً در دو سطح انجام می‌گیرد: در سطح شکلی تنقیح به معنای یکپارچه‌سازی مجموعه قوانین و مقررات پراکنده، همراه با توضیحات در مورد مفاهیم، اصطلاحات، تعیین موارد ناسخ و منسوخ، تهیه کلیدواژه، الحاق آرای قضائی و نظریات مشورتی و ساماندهی شکلی آنها و نیز گردآوری و الحاق بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها و آئین‌نامه‌های مرتبط، به منظور هدایت و کمک به مجریان در اجرای دقیق و صحیح آنها می‌باشد. در سطح ماهوی منظور از تنقیح، بازنگری در مقررات، تدوین نظام مقرراتی منسجم و یکپارچه، متناسب با شئون، نیازها و مقتضیات سازمانی در اولویت کار می‌باشد که ماهیت توسعه‌ای دارد و از عمق و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تنقیح و تدوین قوانین در این سطح، با رویکرد آسیب‌شناسی و تطبیق مقررات با نیازها و مقتضیات روز که با بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای علمی و تجربی در سطح کشور و جهان و نیز با نگرشی نظام‌مند و همه‌جانبه انجام می‌پذیرد. در این سطح از تنقیح، اهداف کلان و چشم‌اندازهای سازمانی و حکومتی مورد واری قرار می‌گیرد تا با دستیابی به چارچوب‌های نظری شفاف و مدون، امکان نوسازی یا بازتولید یک نظام مناسب حقوقی میسر گردد و به جای تکیه بر رفوگری‌های مکرر بر قوانین گذشته، ساختارهای حقوقی نوین و مدرن تدوین شود.

الف: مفهوم شناسی

۱: خشونت

خشونت در مفهوم لغوی به معنای درشتی، زبری، ناهمواری، غضب و تندخویی است. (معین، ۱۳۸۶، ۴۱۸) در اصطلاح، تعاریف مختلفی از خشونت بیان شده است، به طوری که اختلافات اساسی در تعریف آن بین صاحب نظران وجود دارد و ارائه تعریفی دقیق از آن بسیار مشکل است، اما در میان انواع تعاریف، شاید بتوان به چنین تعریفی از این پدیده رسید که: "خشونت ارتکاب طیف وسیعی از رفتارهای فیزیکی و غیر فیزیکی علیه افراد است که انواع صدمات و آسیب‌های جسمی، جنسی، روحی و روانی و... را به دنبال دارد". (شادمانی، ۱۳۹۶، ۶۴-۶۵) به طور کلی وجوه مشترک تمامی تعاریف موجود در این است که خشونت تعرضی است ناروا، ضداجتماعی، غیرمتعارف و غیرقانونی که نتیجه آن از بین بردن یا محدود ساختن تمام یا قسمتی از حقوق و آزادی‌های طرف مقابل است و چه بسا علاوه بر بزه دیدگی طرف مقابل، می‌تواند انواع صدمات جسمی و روانی را نیز نسبت به خود بزه‌کار وارد سازد.

۲: خشونت علیه زنان

تاکنون تعاریف متنوعی از این عبارت به عمل آمده و بر اساس همین تعاریف نیز برداشت‌های متفاوتی در جوامع مختلف از خشونت علیه زنان و اشکال آن پدید آمده است. (یکه کار و حسینی، ۱۳۹۷، ۵۶) تا پیش از ورود سازمان بهداشت جهانی به مقوله خشونت علیه زنان، به ازای تعاریف و برداشت‌هایی که از خشونت علیه زنان وجود داشت صرفاً طیف محدودی از انواع خشونت‌ها علیه زنان مورد پیش‌بینی و تعریف قرار گرفته بود، اما پس از ورود این سازمان و ارائه تعریفی روشن از خشونت علیه زنان و مصادیق آن، رویکرد جوامع نیز در همین راستا متحول شد و مقوله خشونت علیه زنان محل بحث محافل رسمی شد و امیدواری جهت مقابله با خشونت علیه زنان در قالب‌های قانونی و رسمی قوت گرفت. (آقاخانی و همکاران، ۱۳۹۱، ۷۱)

اولین و جامع‌ترین تعریف رسمی ارائه شده در رابطه با خشونت علیه زنان در "اعلامیه رفع خشونت علیه زنان" بیان شده و در آن این موضوع به این صورت تعریف شده است که: "خشونت علیه زنان عبارت است از هرگونه عمل خشونت‌آمیز مبتنی بر جنسیت خواه در جامعه و خواه در زندگی خصوصی که به آسیب‌های جسمی، جنسی یا روانی یا تحمیل رنج به زنان منتهی شده یا احتمال رنج و آزار آنان را،

۶. اعلامیه رفع خشونت علیه زنان توسط مجمع عمومی ملل متحد در قطعنامه ۱۰۴/۴۸ در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ و بدون رأی‌گیری به تصویب رسید.

از جمله تهدید به انجام این اعمال، محرومیت‌های اجباری یا خودسرانه خواه در جامعه و خواه در زندگی خصوصی موجب شود".

همان‌طور که در این تعریف مشخص شده، خشونت علیه زنان هرگونه رفتار خشونت‌آمیزی است که چه در اماکن عمومی، خیابان، محل کار، مدارس، دانشگاه و ... و چه در محیط خانه ارتکاب می‌یابد، طبق مطالعات و بررسی‌های انجام شده در انواع مقالات و کتب و آمارهای به دست آمده در خصوص این موضوع، لازم به ذکر است که در میان انواع خشونت‌هایی که نسبت به زنان در محیط‌های مختلف اعمال می‌شود، خشونت‌های درون خانگی و خانواده نسبت به زنان که از آن با عنوان خشونت خانگی یا خانوادگی نام برده می‌شود به مراتب بسیار بیشتر و وسیع‌تر از انواع خشونت‌های بیرون از منزل و در اجتماع است که آثار و عواقب سوء آن علاوه بر فرد بزه دیده و افراد خانه به مراتب کل جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (ثابتی و همکاران، ۱۳۹۳، ۹۸)

در همین راستا قانونگذار ایرانی در جهت حمایت از زنان در مقابل انواع خشونت‌ها قوانینی وضع نموده که به وسیله آن از وقوع چنین وقایعی پیشگیری نماید، به طوری که برخی از این قوانین در حوزه مقابله با خشونت اجتماعی زنان و برخی دیگر در حوزه مقابله با خشونت خانگی علیه زنان^۷ قرار گرفته است. ضمناً هرکدام از این حوزه‌ها به طور اختصاصی دارای دو بخش مقابله با خشونت‌های اجتماعی و مقابله با خشونت‌های جسمانی علیه زنان تقسیم‌بندی می‌شوند. همچنین احکام موجود در قوانین ایران در رابطه با مقابله با خشونت علیه زنان هم دارای جنبه کیفری و هم دارای جنبه پیشگیرانه است.

ب: قوانین ایران و مقابله با خشونت جسمانی علیه زنان

۱: قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و مقابله با خشونت جسمانی علیه زنان

در رابطه با مقابله با خشونت جسمانی علیه زنان مواد قانونی متعددی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ وضع شده است. به موجب ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مجازاتی برای ربودن افراد از جمله افراد کمتر از ۱۵ سال مقرر شده است.^۸ این ماده با تعیین مجازات اشد برای مرتکبین چنین

^۷ از مصادیق خشونت خانگی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: از بعد روانی: عکس‌العمل شدید در صورت مخالفت همسر، سکوت جهت آزار دادن، محول کردن کلیه امورات فرزندان به خانم، توقع از زنان برای ارضای مردان در هر زمان، عدم درک نیازهای غریزی زن در روابط جنسی، رها کردن همسر بعد از ارضای مرد، از بعد اقتصادی: ولخرجی کردن خارج از منزل، جلوگیری کردن مردان از مشارکت زنان در تصمیمات اقتصادی، ممانعت از استقلال مالی زنان، از بعد فیزیکی: هل دادن و پرت کردن، لگد و مشت زدن، پیچاندن دست و کشیدن مو و ... می‌باشد. در همه این موارد خشونت کلامی وجود دارد.
^۸ به موجب ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: "هرکس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برآید یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد در صورتی که سن

بزه‌ی بخصوصی زمانی که سن مجنی علیه کمتر از ۱۵ سال باشد دیدگاهی اربعایی داشته است. همچنین در مواد ۶۲۲ الی ۶۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز به پدیده مقابله با خشونت علیه زن حامله پرداخته شده است. به موجب حکم ماده ۶۲۲ "هر کس عالماً، عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله موجب سقط جنین وی شود علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص، حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد". حکم این ماده از جمله احکام کیفری و پیشگیرانه در جهت مقابله با خشونت جسمانی علیه زنان است قانونگذار با وضع چنین حکمی به دنبال حمایت از زنان حامله است، چراکه زنان در این برهه نیازمند حمایت و مراقبت‌های جسمانی از سوی جامعه و قوانین می‌باشند. مضافاً قانونگذار در تکمیل حکم ماده ۶۲۲ مجازات شدیدتری در ماده ۶۲۳ برای شخصی که موجب سقط جنین زنی شود مقرر کرده است و با این حکم هم از منظر حمایتی و هم از منظر پیشگیری وارد صحنه شده است. به موجب ماده ۶۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: "هر کس به واسطه دادن ادویه یا وسایل دیگری موجب سقط جنین زن شود به شش ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود و اگر عالماً و عامداً زن حامله‌ای را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری نماید که جنین وی سقط گردد به حبس از سه تا شش ماه محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت شود این اقدام برای حفظ حیات مادر است و در هر مورد حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوطه داده خواهد شد". نباید تصور شود که حکم این ماده در رابطه با جنینی است که سقط شده، چراکه فراز ابتدایی ماده مذکور به توضیح در حمایت از زنی است که جنین‌اش به واسطه اعمال شخصی دیگر سقط شده است. همچنین در این راستا ماده ۶۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد که: "اگر طیبیب، ماما یا داروفروش و اشخاصی که به عنوان طبابت، مامایی، جراحی یا داروفروشی اقدام می‌کنند وسایل سقط جنین را فراهم کنند به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شوند و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت". در این ماده نیز به طور غیرمستقیم زنان مورد حمایت قانونگذار قرار گرفته‌اند به طوری که با تعیین کیفر برای چنین اشخاصی از روش اربعایی استفاده شده تا از خشونت جسمانی علیه زنان پیشگیری نماید و در صورت وقوع حادثه‌ای مسبب بدون کیفر نماند.

با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون از جمله قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۵/۸، مواد (۶۲۵) تا (۶۲۹) و مواد (۷۲۶) تا (۷۲۸) کتاب پنجم قانون

مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرائم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد".

مجازات اسلامی "تجزیرات و مجازات‌های بازدارنده" مصوب ۱۳۷۵/۳/۲، قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۲ و قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزایی مصوب ۱۳۶۶/۷/۲۶ و اصلاحات و الحاقات بعدی آنها نسخ شده است. به طوری که مشاهده می‌گردد این قانون به همراه تصویب مشخص نموده است که کلیه قوانین مغایر با این قانون از اعتبار ساقط است و مواد موجود مرتبط با مقابله با خشونت علیه زنان در این قانون نیز به هیچ وجه مغایر و متعارض هم نیستند. صرفاً آنچه مسلم است این است که این قانون نتوانسته چنانکه باید و شاید در حوزه حقوق زنان وارد شود و به قانونگذاری در جهت حمایت از زنان و پیشگیری از خشونت علیه زنان بپردازد، بنابراین بعد تصویب این قانون، همچنان حوزه حقوق زنان و مقابله با خشونت علیه زنان نیازمند تصویب قانونی جامع است.

۲: قوانین مبارزه با قاچاق انسان و مقابله با خشونت جسمانی علیه زنان

از دیگر قوانینی که به موضوع خشونت علیه زنان پرداخته است، قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ است. در این قانون به صراحت موضوع قاچاق زنان و کودکان مورد حکم قرار گرفته است به طوری که این قانون مقرر می‌کند: "قاچاق زنان و کودکان به قصد فحشا و سوءاستفاده از آنها به حبس از دو تا ده سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه‌دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است، می‌باشد". در این قانون قلمرو جرائم گسترش داده شده است، به طوری که در ماده ۲ به صراحت برخی از اعمال را در حکم قاچاق انسان قرار داده است و جنبه‌های حمایتی را از اشخاص بخصوص زنان و کودکان مورد حکم قرار داده است.^۹ قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ قانونی لازم‌الاجراست و هم‌اکنون مستند حکم در دستگاه قضایی قرار می‌گیرد و حتی تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ نسخ، تغییر یا اصلاحی در احکام این قانون نداشته است.

همچنین در قوانین دیگری نیز به پدیده قاچاق زنان اشاره شده است. یکی از این قوانین "موافقت نامه همکاری امنیتی بین دولت ایران و شورای وزیران بوسنی و هرزگوین مصوب ۱۳۸۷" است. در این موافقت نامه که در ۱۱ ماده تدوین شده است در قالب زمینه‌های همکاری مشترک بین دو کشور به مسأله قاچاق

۹. به موجب ماده ۲ قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳: "اعمال زیر در حکم «قاچاق انسان» محسوب می‌شود:

الف - تشکیل یا اداره دسته یا گروه که هدف آن انجام امور موضوع ماده ۱ این قانون باشد.

ب - عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت)، حمل یا انتقال مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد به طور سازمان‌یافته برای فحشا یا سایر مقاصد موضوع ماده ۱ این قانون هرچند با رضایت آنان باشد.

ج - عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت)، حمل یا انتقال غیرمجاز افراد به قصد فحشا هرچند با رضایت آنان باشد".

زنان اشاره شده است در ماده ۸ این موافقت‌نامه به پیشگیری و مقابله با قاچاق انسان به‌ویژه موارد مربوط به سوءاستفاده از زنان و کودکان اشاره صریح شده است. همچنین در ماده ۱۰ به پیشگیری و نحوه مبارزه با اعمال مجرمانه علیه جان و مال افراد و سوءاستفاده و ایدای جنسی زنان و دیگر جرائم مشابه که منافی عفت عمومی تلقی می‌گردد پرداخته شده است. این موافقت‌نامه با اینکه ماهیتی دوجانبه دارد و در جهت تسهیل همکاری‌های بین دو کشور ایران و بوسنی تدوین شده است اما از این جهت که مقوله قاچاق زنان و کودکان را توانسته مورد بحث قرار دهد حائز اهمیت است. به طوری که در جهت اجرای مفاد این موافقت‌نامه دوره‌های آموزشی مشترک برای کارشناسان امنیتی و انتظامی وزارت کشور، نیروهای پلیس و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط، در رابطه با موضوعات مفاد موافقت‌نامه بخصوص در رابطه با قاچاق زنان در سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۹۰ برگزار شد که تا آن موقع در نوع خود امری بدیع بشمار می‌رفت.

موافقت‌نامه مذکور سرنوشتی نامعلوم دارد به طوری که با بررسی‌های به عمل آمده موافقت‌نامه به طور کلی از حوزه اجرایی خارج شده و مفاد قراردادی آن ضمانت اجرایی خود را از دست داده است و به دست فراموشی سپرده شده است و به نوعی به تورم قوانین دامن زده است، به طوری که دادرسی در مواجهه با چنین موردی نمی‌تواند تشخیص دهد که آیا قانون مزبور اجرایی است یا نه و کار را برای صدور رأی مستند با مشکل جدی روبرو می‌سازد، که بایستی از طریق معاونت تنقیح، تدوین و انتشار قوانین مورد تصفیه و پاکسازی قرار بگیرد تا از ایجاد شبهه در جهت اعمال قوانین مناسب خودداری شود.

۳: قوانین حمایتی از زنان و دختران معلول و مقابله با خشونت جسمانی علیه زنان

یکی از قوانینی که در جهت حمایت از زنان در قبال خشونت جسمانی در سال ۱۳۸۷ تصویب شده است، "قانون تصویب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت" است. این قانون در ماده ۶ بیان می‌دارد که: "دولت‌های عضو اذعان می‌دارند که زنان و دختران دارای معلولیت دچار تبعیضات چندگانه می‌باشند و در این ارتباط تدابیری را جهت تضمین بهره‌مندی برابر و کامل آنها در مورد تمامی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین اتخاذ خواهند نمود". قانون مذکور در این ماده، دولت‌های عضو را به اتخاذ تدابیر مناسب جهت تضمین توسعه کامل، پیشرفت و توانمندسازی زنان به منظور تضمین بهره‌مندی و اعمال حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین مندرج در این کنوانسیون از سوی آنها، ملزم نموده است. چراکه هدف این کنوانسیون، ارتقا، حمایت و تضمین بهره‌مندی برابر و کامل افراد دارای معلولیت بخصوص زنان و کودکان از کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و ارتقای احترام نسبت به منزلت ذاتی آنها می‌باشد، به طوری که هدف متعالی این قانون رفع هرگونه سختی‌های اجتماعی و تسهیل حیات عادی برای معلولین بخصوص زنان و

کودکان می‌باشد. نکته قابل تأمل در رابطه با این ماده از قانون این است که مشخص نشده تضمین حقوق و آزادی‌ها به چه نحوی و از طریق کدامین ارگان صورت خواهد گرفت، بنابراین اجرای آن را با مشکل مواجه ساخته است و به‌نوعی قانون مزبور در این قسمت دچار سکون کامل شده است.

در این قانون در رابطه با جلوگیری از خشونت علیه زنان در ماده ۱۵ حکمی مقرر شده به‌طوری‌که: "هرگونه شکنجه یا مجازات یا رفتار ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز علیه معلولین نادرست شناخته شده و دولت‌های عضو، متعهد شده‌اند تمامی تدابیر قانونی، اداری و قضایی لازم را جهت جلوگیری از شکنجه معلولین انجام دهند". با توجه به نص صریح این ماده دولت‌های عضو متعهد هستند هم از جنبه تقنینی، هم از جنبه اجرایی و هم از جنبه قضایی و نظارتی نسبت به حمایت از زنان معلول در قبال خشونت‌های جسمانی و اجتماعی و همچنین پیشگیری و مقابله با خشونت نسبت به زنان اقدامات مقتضی را اتخاذ نمایند. همچنین در این ماده به مسأله تحقیر اشاره شده است که در نوع خود امری بدیع می‌باشد و به نوعی نوآوری قانون فوق‌الذکر می‌باشد و توجه قانون به این مهم و جرم‌انگاری آن گامی مؤثر در حمایت از زنان معلول می‌باشد. در مقابل نقدی که به این ماده از قانون می‌توان وارد کرد این است که اگر دولت‌ها به تعهدات خود در قبال جلوگیری از خشونت علیه معلولین بخصوص زنان عمل نکنند چه مسؤولیتی گریبانشان را خواهد گرفت؟ این موردی است که از دید قانونگذار به دور مانده است و راه را برای هرگونه عدم تعهد باز گذاشته است.

بر طبق ماده ۱۶ این قانون که تحت عنوان آزادی از استثمار، خشونت و سوءاستفاده می‌باشد: "دولت‌های عضو، تمامی تدابیر قانونی، اداری، اجتماعی و آموزشی یا سایر تدابیر مناسب را جهت حمایت از افراد دارای معلولیت در درون و بیرون از خانه در برابر تمامی اشکال استثمار، خشونت و سوءاستفاده از جمله در مورد جنبه‌های مبتنی بر جنسیت اتخاذ خواهند نمود". نگاه اصلی فراز نخست ماده ۱۶ این قانون زنان و کودکان معلول می‌باشد، که با ملزم قرار دادن دولت سعی در حمایت از آنها در داخل و بیرون از منزل شده است. هرچند در نگاه اول ماهیت ماده ۱۶ قانون مذکور ارشادی است، اما استفاده از کلمه تدابیر قانونی بدان ماهیت کیفری و تنبیهی نیز داده است و راه را برای حمایت همه‌جانبه از زنان و کودکان معلول هم از بعد جسمانی و هم از بعد اجتماعی هموار ساخته است. به‌عبارتی دیگر دولت‌های عضو متعهد هستند که قوانین لازم جهت حمایت از زنان معلول را در قوانین خود وضع کرده و به‌موقع اجرا بگذارند و یا قوانین موجود را بر طبق استانداردهای جهانی تغییر داده و یا اصلاح نمایند.

همچنین این قانون در ادامه ماده ۱۶ چنین بیان می‌کند که: "دولت‌های عضو تمامی تدابیر مناسب را جهت جلوگیری از تمامی اشکال استثمار، خشونت و سوءاستفاده از طریق تضمین مواردی از جمله اشکال مناسب کمک‌های حساس جنسیتی و سنی و حمایت از افراد دارای معلولیت و خانواده‌ها و مراقبین آنها از جمله از طریق ارائه اطلاعات و آموزش در مورد چگونگی پرهیز، شناسایی و گزارش در مورد نمونه‌هایی از استثمار، خشونت و سوءاستفاده نیز اتخاذ خواهند نمود". در این قسمت از ماده ۱۶ نیز به دلیل نگاه کلی قانونگذار به جلوگیری از خشونت، کلیه تدابیر قضایی، تقنینی، اجرایی و اداری الزاماً در راستای هم‌بکار گرفته خواهند شد. در این قسمت از ماده ۱۶ به همکاری شهروندان با دولت در اطلاع‌رسانی و آموزش نیز پرداخته شده است که در نوع خود امری بدیع بشمار می‌رود. در فراز اخیر ماده ۱۶ قانون فوق‌الذکر که مقرر کرده: "دولت‌های عضو، قوانین و سیاست‌های مؤثر شامل قوانین و سیاست‌های متمرکز بر زنان و کودکان را به‌منظور تضمین اینکه مواردی از استثمار، خشونت سوءاستفاده نسبت به افراد دارای معلولیت شناسایی، رسیدگی شده و در موقع مقتضی مورد پیگرد قرار گیرد"، تدابیر و پیش‌بینی‌های لازم را اتخاذ خواهند نمود. بدین منظور دولت‌های عضو متعهد شده‌اند قوانین و سیاست‌های مؤثری در قبال تمرکز بر حقوق زنان و کودکان و حمایت از آنها در قبال خشونت‌های خانگی و اجتماعی به هر نحوی از انحا تصویب کرده و به‌موقع اجرا بگذارند. برخلاف مقررات ایده‌آلی که این قانون در حمایت از زنان و کودکان معلول دارند مهمترین ایراد وارده بر این قانون عدم داشتن ضمانت اجراهای لازم در قبال عدم انجام تعهدات دولت‌های عضو در رابطه با خشونت علیه زنان معلول می‌باشد.

دیدگاه این کنوانسیون کاملاً ایده‌آلیستی می‌باشد و تا به امروز فعالیتی عملی که بتوان آن را قانونی در جهت حمایت از زنان و دختران معلول بنامیم در کشور صورت نگرفته و به تصویب نرسیده است. چراکه در این کنوانسیون ضمانت اجرایی پیش‌بینی نشده است تا در صورت عدم رعایت مفاد آن مسؤولیتی متوجه دولت‌های عضو شود.

قانون تصویب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نمایه شده است و به نوعی جزو قوانین ارشادی فاقد ضمانت اجرایی می‌باشد و از سال ۱۳۸۷ تا به امروز نیز اقدامی عملی در راستای مفاد آن صورت نگرفته است، اما از آنجایی که مقرره‌ای وضع نکرده که دادرسی در زمان بررسی پرونده و صدور رأی بدان مراجعه کند لذا مشمول بعد ماهوی تورم قوانین نمی‌شود.

از دیگر قوانینی که به مسأله حمایت از زنان در قبال انواع خشونت‌ها پرداخته "قانون حمایت از حقوق و مسؤولیت‌های زنان در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی" است. این قانون در سال ۱۳۸۵ در جهت اصلاح پارهای از مواد "منشور حقوق و مسؤولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران" مصوب پانصد و چهل و ششمین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۳ است. در این منشور هرچند به شکل صریح به مسأله خشونت علیه زنان پرداخته نشده اما در قالب‌های حقوق و مسؤولیت‌های فردی زنان، حقوق و مسؤولیت‌های خانوادگی زنان و حقوق و مسؤولیت‌های قضایی زنان به صورت ضمنی و در لابلای موارد به مسأله خشونت علیه زنان و راهکارهای مقابله با آن توجه شده است.^{۱۰} این قانون نیز همانند قانون تصویب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت وضعیتی ارشادی دارد و به دنبال این است که دولت در جهت حمایت از زنان و کاهش خشونت علیه آنها اقدامات قانونی (تقنینی، اجرایی و قضایی) بنماید که تا به امروز اقدامی عملی و جدی در این رابطه صورت نگرفته است و صرفاً در پایگاه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نمایه شده است و همانند قانون تصویب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مشمول بعد ماهوی تورم قوانین نیست، اما بایستی اقدامی در جهت اجرای آن یا تصفیه آن صورت بگیرد.

۴: قوانین برنامه توسعه و مقابله با خشونت علیه زنان

قوانین برنامه توسعه در ایران که با اهداف متعدد بخصوص تأمین عدالت اجتماعی، اصلاح مدیریت اجرایی و قضایی و ایجاد و سازمان‌دهی امنیت قضایی تصویب می‌شوند به مسأله زنان و مقابله با خشونت علیه زنان به شکل صریح و ضمنی پرداخته است. به طوری که در قانون برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه در بند ج ماده ۱۱۱ به رفع خشونت علیه زنان تأکید شده است.^{۱۱} در بند ج این ماده به طور صریح مسأله رفع

^{۱۰} در این منشور حق برخورداری از حیات شایسته و بدون خشونت جسمانی و روانی، حفظ تمامیت جسمانی زنان، حمایت از زنان در برابر بیماری‌های مختلف، محافظت از زنان در برابر هرگونه حادثه، مصونیت جان، مال و آبروی زنان، عدم تعرض به زندگی خصوصی زنان، مصونیت زنان از خشونت‌های خانگی، جلوگیری از هتک حیثیت و ناموس زنان بخصوص در دوران جنگ و اسارت، حق تدافع قضایی و حمایت قانونی و قضایی از آنها در هر زمان بخصوص در حین طلاق و بعد از آن، حق دسترسی زنان به پلیس و ضابطین دادگستری در صورت مواجهه با هرگونه تعرض اعم از خانگی و اجتماعی و بزه دیدگی، اتهام و ارتکاب جرم از جمله مواردی است که در این منشور نسبت به زنان و حمایت از آنها در قبال هرگونه خشونت و تعرض مقرر شده است.
^{۱۱} ماده ۱۱۱ قانون برنامه چهارم توسعه مقرر کرده است: "دولت موظف است با هدف تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصت‌ها و گسترش سطح مشارکت آنها در کشور، اقدام‌های ذیل را معمول دارد:

الف: تدوین، تصویب و اجرای برنامه جامع توسعه مشارکت زنان مشتمل بر بازنگری قوانین و مقررات، به‌ویژه قانون مدنی، تقویت مهارت‌های زنان متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فناوری، شناسایی و افزایش ساختارهای سرمایه‌گذاری در فرصت‌های اشتغالزای، توجه به ترکیب جنسیتی عرضه نیروی کار، ارتقای کیفیت زندگی زنان و نیز افزایش باورهای عمومی نسبت به شایستگی آنان.

ب: تنظیم و ارائه لوایح، مربوط به تحکیم نهاد خانواده جهت تصویب در مراجعه‌کننده.

ج: انجام اقدام‌های لازم از جمله تهیه برنامه‌های پیشگیرانه و تمهیدات قانونی و حقوقی به‌منظور رفع خشونت علیه زنان.

د: تقدیم لایحه حمایت از ایجاد و گسترش سازمان‌های غیردولتی، نهادهای مدنی تشکل‌های زنان به مجلس شورای اسلامی.

خشونت علیه زنان به این صورت بیان شده است: " ... انجام اقدام‌های لازم از جمله تهیه برنامه‌های پیشگیرانه و تمهیدات قانونی و حقوقی به منظور رفع خشونت علیه زنان". در همین راستا تصویب قوانین متناسب با جرم ارتكابی و تعیین کیفر با توجه به شرایط و شخصیت و جنسیت بزه‌کار و همچنین مدنظر قرار دادن تأثیرات کیفر بر شخص، خانواده و اجتماع و توجه به میزان و چگونگی بازدارندگی مجازات‌ها در دستور کار قوه مقننه قرار گرفته است. (اشتریان و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۲۲) همچنین در این راستا رسیدگی به جرائم ارتكابی خشونت علیه زنان به‌ویژه در محیط خانواده به صورت فردی و خارج از نوبت در دادسرا و دادگاه و رسیدگی به جرائم ارتكابی در محیط خانواده در دادگاه تخصصی خانواده در شعب ویژه کیفری نیز مدنظر قرار گرفته است. اعطای اختیارات لازم به بازپرس، دادستان، ضابطان دادگستری برای انجام اقدامات موقت ضروری در حین ارتكاب بزه در صورت حضور و پس از وقوع جرم در رفتارهای خشونت‌آمیز خانگی به‌ویژه در موارد تکرار و یا شدت اعمال ارتكابی همانند جدا کردن زن از شوهر، بازداشت بزه‌کار در صورت ایجاد عوامل خطرزا نیز از جمله اقداماتی هستند که در راستای ماده ۱۱۱ قانون برنامه چهارم توسعه صورت گرفته است. اجرای این قانون در آن زمان تا حد زیادی توانسته است انتظارات را در حوزه حمایت از حقوق زنان و مقابله با انواع خشونت علیه زنان برآورده سازد. تغییر سیاست‌های نیروی انتظامی در حوزه مقابله با خشونت علیه زنان و همچنین اصلاح سیاست‌های قوه قضاییه در مواجهه با خشونت علیه زنان از آثار مثبت اجرای این قانون است.

اما از آنجایی که قوانین برنامه پنج‌ساله توسعه کشور جزو قوانین موقت^{۱۲} در حقوق ایران می‌باشند و بی‌آنکه نسخ شوند کنار گذاشته می‌شوند، لذا ماده ۱۱۱ قانون برنامه پنج‌ساله چهارم در کنار سایر احکام این قانون کنار گذاشته شده‌اند. با این توضیح که برخی از احکام ماده ۱۱۱ قانون مذکور دارای آثاری هست که نمی‌تواند محدود به زمان مشخصی باشد، که در این رابطه خارج از نوبت تلقی شدن دعاوی مرتبط با خشونت علیه زنان در محیط خانواده در دادسرا و دادگاه می‌باشد. بنابراین با آنکه قانون برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه به‌طوری کنار گذاشته شده و بی‌اعتبار تلقی می‌شود ولی آثار مثبت آن در همه

تیسره: کلیه دستگاه‌های اجرایی موظفند اعتبار لازم برای انجام تکالیف قانونی موضوع این ماده را که مرتبط با وظایف قانونی آنها است در لوائح بودجه سنواتی ذیل برنامه مربوط، پیش‌بینی و اقدام‌های لازم را با هماهنگی مرکز امور مشارکت زنان به عمل آورند.
^{۱۲} قانون موقت، برخلاف قانون دائمی، بدون نیاز به وضع قانون ناسخ و به‌صرف انقضای مدت پیش شده در آن، ملغی و بی‌اعتبار می‌شود و علت این‌ها، معین نبودن مدت اعتبار قانون در خود آن است.

زمینه‌ها تداوم دارد، به طوری که با اجرای این قانون در زمان خود و تغییرات مثبتی که صورت گرفته است، با کنار گذاشته شدن آن آثار مثبت و کاربردی آن از بین نرفته است.

علاوه بر ماده ۱۱۱ قانون برنامه چهارم توسعه ماده ۲۲۷ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه نیز در رابطه با مقابله با خشونت علیه زنان احکامی مقرر کرده است. به موجب این ماده تأکید شده است که: "دولت نسبت به تهیه و تدوین سند ملی امنیت بانوان و کودکان در روابط اجتماعی با مشارکت و برنامه‌ریزی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه، سازمان بهزیستی کشور، شهرداری، وزارت کشور، شورای عالی استان‌ها، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و کار و امور اجتماعی توسط دولت در طول سال‌های برنامه اقدام قانونی به عمل آورد". بنابراین در این راستا فعالیت‌هایی از قبیل اقدامات قاعده ساز در موضوع حمایت از زنان و دختران در برابر خشونت، طرح‌های پیش‌نویس قاعده ساز در موضوع حمایت از زنان و دختران در برابر خشونت و اقدامات اجرایی در موضوع حمایت از زنان و دختران در برابر خشونت صورت گرفت. (مرکز مالگیری، ۱۳۹۰، ص. ۲۳۷) بنابراین پس از ابلاغ "منشور حقوق شهروندی" در سال ۱۳۹۵ مواردی از قبیل حق بر سلامت زنان (ماده ۳)، حق بهره‌مندی از امنیت فردی (ماده ۱۳)، حق بهره‌مندی از حریم خصوصی (ماده ۳۶)، حق رهایی از ازدواج اجباری (ماده ۵۱)، حق زنان و کودکان به رهایی از خشونت رفتاری و گفتاری (ماده ۵۴)، قاعده‌مند شدند. بنابراین واضح است که با اجرای این قانون به شکل ویژه‌ای در وضعیت حقوقی و اجتماعی زنان تحول مثبت صورت گرفته است. اقدامات عملی که از سوی نهادهای قانونگذاری، قضایی و اجرایی در این راستا صورت گرفته است نمونه بارز تحولات و بهبود وضعیت زنان و کاهش میزان خشونت‌ها علیه آنها شده است. مفاد قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جزو معدود قوانین ارشادی می‌باشد که تأثیرات مثبت اجرای آن بسیار بالا می‌باشد.

در راستای اجرای ماده ۲۲۷ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه طرح‌های پیش‌نویس قاعده ساز در مورد حمایت از زنان و دختران در برابر خشونت صورت گرفته است. بنابراین با تدوین پیش‌نویس "لایحه جامع تأمین امنیت زنان در برابر خشونت" در سال ۱۳۹۵ مجموعه‌ای از تدابیر احتیاطی، پیشگیرانه، حمایتی، جرم‌انگارانه، در موضوع حمایت از زنان در برابر کلیه اشکال خشونت، از جمله خشونت خانگی و دیگر مصادیق خشونت در دستور کار قرار گرفته است. در این لایحه جرائم حوزه خشونت علیه زنان مشخص شده و مجازات‌های لازم جهت بی‌کیفر نماندن مجرمین پیش‌بینی شده‌اند. حتی وظایف نهادهای حکومتی در راستای حمایت از زنان در برابر انواع خشونت‌ها و پیشگیری از وقوع چنین حوادثی مشخص شده‌اند.

این قانون حتی آیین دادرسی ویژه برای رسیدگی به جرائم با موضوع خشونت علیه زنان را معین کرده است. تحولات مثبتی که در این راستا صورت گرفته به ویژه در رابطه با تعیین حوزه‌های خشونت علیه زنان و تعیین آیین دادرسی ویژه جهت رسیدگی به جرائم مرتبط با زنان گام مؤثری در کاهش میزان خشونت‌ها علیه زنان قلمداد می‌شود.

همچنین در راستای اجرای ماده ۲۲۷ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه پیش‌نویس "سند ملی تأمین امنیت زنان در روابط اجتماعی" در سال ۱۳۹۴ تهیه و تدوین شده است. این سند به امنیت اجتماعی زنان و دختران توجه ویژه داشته است و بدین جهت کلیه دستگاه‌های اجرایی دولت را ملزم ساخته است تا در راستای تأمین امنیت زنان و دختران در زندگی اجتماعی راهبردهای مقرر در این سند را در تعیین برنامه‌ها و سیاست‌های خود مد نظر قرار دهند. از اهم راهبردهای سند مزبور می‌توان به توسعه نظام عدالت محور و تنقیح و وضع قوانین در حوزه امنیت زنان و کودکان، ایجاد وحدت و انسجام مدیریت در حوزه تأمین امنیت اجتماعی زنان و پرهیز از موازی کاری و پیش‌بینی، پیشگیری، کنترل و مقابله با آسیب‌های اجتماعی پیشروی زنان اشاره کرد. یکی از نقاط قوت این سند آن است که تأکید جدی بر عدم موازی کاری و تصفیه قوانین منسوخ شده داشته است و بدین جهت "معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات" را مأمور تنقیح و تشخیص قوانین منسوخ و حذف این قوانین از مدار قوانین اجرایی در کشور کرده است.

از جمله اقدامات اجرایی در راستای اجرای ماده ۲۲۷ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه می‌توان به تهیه و تدوین پیش‌نویس "طرح جامع فوریت‌های اجتماعی در بلایا در جهت حمایت از زنان" در سال ۱۳۹۳، راه‌اندازی دفاتر ارشاد و حمایت از زنان و کودکان در مجتمع‌های قضایی، راه‌اندازی خطوط هات لاین در موضوع ارائه مشاوره حقوقی به شهروندان از جمله زنان، ایجاد مراکز مشاوره در جوار دادگاه‌های خانواده و تشکیل کمیته پیشگیری از خشونت علیه زنان در قوه قضاییه اشاره کرد.

قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه هم همانند قوانین سلف خود جزو قوانین موقت بوده و با اتمام مدت اجرا کنار گذاشته شده است. حتی در این قانون در ماده ۲۳۵ به صراحت مقرر شده است که: "این قانون تا پایان سال ۱۳۹۴ شمسی معتبر است". لذا با توجه به صراحت خود قانون همه مواد آن نیز از اعتبار ساقط شده است. اما بایستی توجه داشت اگر قانون مزبور موجب تصویب قانون، طرح، سند یا پیش‌نویسی شده باشد، حتی با انقضای مدت اعتبار قانون برنامه توسعه، آنها معتبر خواهند ماند. بنابراین در رابطه با مواد

مطروحه در این قسمت، هرکدام که منجر به تدوین و تصویب قانون، طرح و سند شده است دارای اعتبار می‌باشند و تا زمانی که به موجب قانون، طرح و سند جدیدی ملغی نشده باشند معتبر خواهند بود.

علاوه بر قوانین پنج‌ساله برنامه چهارم و پنجم توسعه که به مسأله زنان و خشونت علیه زنان توجه مستقیمی داشتند و توانسته‌اند در این زمینه قدم‌های مثبتی در جهت بهبود وضعیت حقوقی زنان و کاهش خشونت‌ها علیه زنان داشته باشند در قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه مصوب ۱۳۹۵، صرفاً ماده ۳۱ به صورت اختصاصی به مسأله زنان و حقوق آنها پرداخته است. اما بایستی توجه داشت که این قانون به هیچ‌وجه به مسأله خشونت علیه زنان وارد نشده و صرفاً با نگاهی با اعتلای وضعیت زنان مقرراتی وضع نموده است.

ماده ۳۱ قانون مزبور مقرر می‌دارد: "به منظور تحقق اهداف مندرج در اصول دهم و بیست و یکم قانون اساسی، اهداف سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی برنامه ششم مبنی بر تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و استیفای حقوقی شرعی و قانونی زنان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان و نیز به منظور بهره‌مندی جامعه از سرمایه انسانی زنان در فرآیند توسعه پایدار و متوازن، کلیه دستگاه‌های اجرایی موظف‌اند با سازماندهی و تقویت جایگاه سازمانی امور زنان و خانواده در دستگاه، نسبت به اعمال رویکرد عدالت جنسیتی در سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های خود و ارزیابی آثار تصمیمات خود در آن چارچوب، بر اساس شاخص‌های ابلاغی ستاد ملی زن و خانواده اقدام کنند". این قانون به شکل ویژه در جهت اعتلای جایگاه و برخورداری زنان از عدالت اجتماعی متمرکز شده است و در این راستا همه ارگان‌ها را بسیج کرده است. همچنین در این راستا آیین‌نامه اجرایی نحوه اعمال، سازوکارهای نظارت و پایش شاخص‌ها و وظایف و الزامات دستگاه‌های اجرایی برای ارتقای شاخص‌های مذکور، به پیشنهاد سازمان، معاونت امور زنان و خانواده و با همکاری سایر دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط، به تصویب هیأت وزیران رسیده است. همچنین معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری موظف شده است ضمن ارزیابی و تطبیق سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های دستگاه‌ها و رصد مستمر ارتقای شاخص‌های وضعیت زنان و خانواده، گزارش آن را به طور سالانه به هیأت وزیران ارائه نماید. آنچه در این قانون مسلم است نگاه ایده‌آلیستی نسبت به وضعیت زنان کاملاً مشهود است و رویکرد کلی این قانون نسبت به زنان نشانگر آن است که قوانین برنامه پنج‌ساله توسعه چهارم و پنجم تا حدودی توانسته‌اند انتظارات را در مورد اعتلای وضعیت حقوقی زنان، تثبیت جایگاه زنان و کاهش خشونت از بعد تقنینی و اجرایی داشته باشند و بنابراین این قانون از تکرار مکررات اجتناب نموده است و این امر نیز در نوع خود امری بجا می‌باشد.

در قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه مصوب ۱۳۹۵ در ماده ۱۲۴ تصریح شده است که اعتبار آن صرفاً ۵ ساله می‌باشد و پس از انقضای مدت احکام آن از اعتبار ساقط می‌باشد و صرفاً احکامی که دائمی بودن آنها تصریح شده است دارای اعتبار خواهد بود. بنابراین بر ماده ۳۱ این قانون صفت دائمی بودن (نه صریح و نه ضمنی) لحاظ نشده است و هم‌اکنون حکم آن بی‌اعتبار تلقی می‌شود.

ج: قوانین ایران و مقابله با خشونت روانی علیه زنان

در کنار قوانینی که به اشکال مختلف در جهت مقابله با خشونت جسمانی علیه زنان وضع و اجرایی شده‌اند قوانین دیگری تحت عنوان قوانین مقابله با خشونت روانی در اجتماع شناخته می‌شوند. این قوانین خشونت‌هایی از قبیل تهدید، متلک‌پرانی، توهین، فحش، بددهانی و تحقیر را شامل می‌شود. در همین راستا قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و در ماده ۶۱۹ با جرم انگاری مزاحمت خیابانی مقرر کرده است که: "هرکس در اماکن عمومی و معابر، متعرض یا مزاحم اطفال و زنان شود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنها توهین کند به حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد". قانونگذار در این ماده با تعیین حداکثر و حداقل مجازات، صدور حکم را در اختیار دادرس قرار داده است. به طوری که دادرس تعیین می‌کند که آیا عمل ارتكابی توهین بوده است یا نه و اگر توهین بوده چه میزان مجازات دارد. همچنین با کلی‌گویی در رابطه با "الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت" سعی در جهت تسهیل انتساب بزه به بزه‌کار را داشته است و با این کار سعی در ارعاب افرادی دارد که به چنین رفتارهایی دست می‌زنند. اما فرایند اثبات وقوع چنین جرایمی و نیاز به شهادت شهود و ... از جمله موانعی است که می‌تواند به‌عنوان مانع در تحقق اهداف ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ باشد. حکم مقرر در این ماده از قانون مجازات اسلامی از آنجایی که ماهیتی پیشگیرانه و ارعابی دارد و دارای ضمانت اجرایی شدیدی نیز هست می‌تواند گامی مؤثر در جهت کاهش انواع خشونت‌ها علیه زنان باشد.

در ماده ۶۴۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانونگذار بدون مشخص کردن جنسیت بزه دیده مقرر می‌دارد: "هرگاه کسی به‌وسیله تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر برای اشخاص مزاحمت ایجاد نماید علاوه بر اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات، مرتکب، به حبس از یک تا شش ماه محکوم خواهد شد". در رابطه با این ماده برخی از دکتربین معتقدند که، از آنجایی که بزه دیده چنین مزاحمت‌هایی اکثراً زنان و دختران هستند لذا این ماده می‌تواند به‌عنوان ماده قانونی جهت مقابله از خشونت روانی علیه زنان و دختران قلمداد کرد. (حبیب زاده و علیپور، ۱۳۹۱، ۶۳) در این ماده نیز قانونگذار به بیان حداقل و حداکثر میزان مجازات اشاره نموده است و تعیین میزان مجازات را در اختیار دادرس پرونده قراردادهاست. معیار

تعیین نوع مزاحمت نیز با نظر دادرس مشخص خواهد شد. حکم ماده فوق‌الذکر جزو قوانین لازم‌الاجرا در سیستم حقوقی کشور می‌باشد و تمامی احکام سابق و معارض با آن ملغی شده‌اند.

جدای از مواد قانون مجازات اسلامی در رابطه با مقابله با خشونت روانی علیه زنان، "قانون الحاق یک بند و یک تبصره به ماده ۶ قانون مطبوعات" مصوب ۱۳۷۷ مقرر کرده است که "هرگونه استفاده ابزاری از افراد در تصاویر و محتوی، تحقیر و توهین به جنس زن، تبلیغ تشریفات و تجملات نامشروع و غیرقانونی ممنوع است. مجازات در نظر گرفته شده برای این افراد حبس از دو ماه تا دو سال یا شلاق تا ۷۴ ضربه است. در صورت استمرار این کار، مجازات این افراد تشدید و مجوز آنها لغو خواهد شد". حکم این ماده با رویکردی به مطبوعات و تبلیغات بصری می‌باشد به طوری که قانونگذار با وضع این ماده در پی حفظشان و منزلت زن و دفاع از حقوق آنها در برابر هرگونه توهین، تحقیر و سو استفاده ابزاری می‌باشد. موارد مطروحه در این ماده حصری است اما تعیین اینکه چه عملی توهین، تحقیر یا سو استفاده محسوب می‌شود با دادرس است. حکم قانون مذکور تا به امروز لازم‌الاجرا بوده و ملغی نشده است و مستند احکام دادگاهی در موارد خاص قرار می‌گیرد.

د: قوانین ایران و مقابله با خشونت خانگی

در رابطه با مقابله با خشونت خانگی علیه زنان قوانین مدنی و جزایی ایران دارای احکام متعددی هستند که برخی از آنها مرتبط با مقابله با خشونت‌های روانی علیه زنان و برخی دیگر مرتبط با خشونت‌های جسمانی علیه زنان هستند. برخی از این احکام جنبه ارشادی و توصیه‌ای دارند و برخی دیگر جنبه کیفری و تنبیهی. در ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی قانونگذار بدون مد نظر قرار دادن ضمانت اجرایی و صرفاً به صورت ارشادی مقرر کرده است که: "زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگر هستند". این ماده به هیچ عنوان دارای ضمانت اجرا برای سرپیچی از آن نیست و هیچ مجازاتی برای عدم اطاعت از حکم این ماده مقرر نشده است. اما نظر اکثر دکترین این است که این ماده در جهت رعایت حقوق زنان و جلوگیری از خشونت خانگی علیه آنها وضع شده است و بیشتر جنبه‌های اخلاقی موضوع را هدف قرار داده است. (نوبهار و حسینی، ۱۳۹۴، ۵۶-۵۷)

در ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی مقرر شده است که: "اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی، مالی یا شرافتی برای زن باشد، زن می‌تواند مسکن علی‌حده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور، محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور

معذور است نفقه بر عهده شوهر خواهد بود". این ماده هرچند دارای ضمانت اجرایی نیست اما در راستای پیشگیری از خشونت خانگی نسبت به زنان و بیم صدمه جانی و حیثیتی نسبت به زنان، قانونگذار حکم هوشمندانه‌ای مقرر کرده است و حتی اقدامات تأمینی و مراقبتی نسبت به زنان در طول مدت رسیدگی در دادگاه را در دستور کار قرار داده است. در این ماده نیز معیار تعیین خوف ضرر، با دادرسی می‌باشد.

همچنین در ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی آمده است که: "طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند مثل اینکه شرط شود هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد یا در مدت معینی غائب شود یا ترک انفاق نماید یا علیه حیات زن سوء قصد کند یا سوء رفتاری نماید که زندگانی آنها با یکدیگر غیر قابل تحمل شود زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهائی خود را مطلقه سازد". ماده مزبور در جهت حمایت از حقوق زنان و جلوگیری از خشونت خانگی علیه زنان حکمی پیشگیرانه داشته است و به زن این اختیار را داده است تا قبل از وقوع هرگونه خشونت خانگی اعم از روانی و جسمانی بتواند حقوق حقه خود را با اشتراط شرط ضمن عقد و یا خارج از عقد به صورت شرط لازم تضمین نماید.

پرواضح است که طرق قانون مدنی ایران در مقابله با هرگونه خشونت خانگی علیه زنان راهکارهای غیر کیفری و پیشگیرانه قابل پیش‌بینی می‌باشد. به طوری که در ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی مقرر شده است که: "در صورتی که دوام زوجیت برای زن موجب عسر و حرج باشد وی می‌تواند به دادگاه مراجعه کرده و تقاضای طلاق کند؛ در صورت اثبات عسر و حرج دادگاه زوج را اجبار به طلاق می‌کند و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود". عسر و حرج سببی است که زندگی مشترک را برای زن مشقت‌بار ساخته است و اصطلاحی کلی است و می‌تواند هر عنوانی را در خود جای دهد، اما مهمترین مصادیق آن عبارت است از: خودداری شوهر از نزدیکی با زن، بی‌اعتنایی و اهانت به او، اختیار همسران دیگر، پاییند بودن به وفاداری (داشتن رابطه نامشروع)، اعتیاد و سو معاشرت و تعرض فیزیکی. (حاتمی و شرقی، ۱۳۹۷، ۶۷) در این ماده نیز قانونگذار جهت حمایت از حقوق زنان و جلوگیری از خشونت‌های خانگی اعم از روانی و فیزیکی اقدام به وضع قواعدی کرده است که زنان بتوانند از حمایت‌های قانون در جهت حفظ تمامیت روانی و جسمی خود استفاده کنند. ضمناً قانونگذار با هوشمندی تمام از اصطلاح عسر و حرج استفاده کرده است تا زنان بتوانند هرگونه تعرض روانی و فیزیکی را در قالب آن قرار داده و از دادگاه جهت احقاق حق خود دادخواهی بکنند. همچنین تعیین مصادیق عسر و حرج در اختیار دادرسی می‌باشد و اوست که مشخص خواهد کرد که آیا خسرو حرجی واقع شده است یا نه.

یکی دیگر از مصادیق خشونت خانگی خشونت‌های اقتصادی و مالی است که از طرف شوهر نسبت به زن صورت می‌گیرد و ادامه زندگی را مشقت‌بار می‌کند. فشاری که از بعد اقتصادی از طرف شوهر ایجاد می‌گردد نوعی خشونت روانی است که باعث اختلال در زندگی زن به شکل گسترده می‌شود. در این رابطه قانونگذار در ماده ۶۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌نماید که: "هرکس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع نماید دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می‌نماید". قانونگذار در این ماده از روش کیفری برای مقابله با خشونت اقتصادی مردان علیه زنان در خانه استفاده کرده است. اختیار تعیین کیفر به موجب این ماده در اختیار دادرس است. درست است که وجود این ماده قانونی به‌تنهایی نمی‌تواند جلوی خشونت اقتصادی علیه زنان را بگیرد اما صرف نگرش قانونگذار و جرم‌انگاری این عمل در نوع خود رفتاری سنجیده است.

نتیجه

بر اساس یافته‌های جرم‌شناختی و بزه دیده شناختی، زنان جزو گروه‌های حساس و آسیب‌پذیر جامعه هستند و بنا به ویژگی‌های جسمانی و روانی و برخی عوامل بیرونی مثل عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بیشتر از سایرین در معرض انواع خشونت جسمانی و روانی و ... می‌باشند. بنابراین با وجود وقوع چنین وقایعی علیه زنان و در معرض خطر بودن آنها در طول زمان نیاز به قوانینی منسجم، روشن و دارای بازده لازم و ضروری است. وجود قوانین پراکنده و بدون انسجام، قوانین مجمل، قوانین فاقد ضمانت‌های اجرایی، قوانین منسوخ شده و ... نه تنها کمکی در جهت کاهش انواع خشونت علیه زنان نمی‌شود، چه‌بسا باعث گسترش و ترویج روزافزون انواع خشونت‌ها علیه زنان می‌شود.

در ایران قانون مدنی، قانون مجازات اسلامی، قوانین برنامه توسعه، آیین‌نامه‌ها، لوایح قانونی و منشورهای حقوق شهروندان مسأله حمایت از زنان و مقابله با خشونت علیه زنان را در دستور کار قرار داده‌اند. برخی از این قوانین وضعیتی ارشادی و توصیه‌ای دارند و بدون ضمانت اجرا صرفاً در جهت یادآوری حقوق زنان وضع شده‌اند. برخی از قوانین حمایت از حقوق زنان و مقابله با خشونت علیه آنها، فاقد ضمانت اجرای کیفری هستند و صرفاً با پیش‌بینی پیش‌شرط‌هایی در جهت حفظ حقوق زن وضع شده‌اند تا در مواقع ضروری از جوانب مختلفی زنان را مورد حمایت قرار دهد و تا حد امکان مواجهه زنان را با شرایط خشونت‌بار کمتر کنند. برخی از قوانین دارای ضمانت اجرای کیفری هستند و با تعیین مجازات در جهت ارباب بزه‌کار، تنبیه و همچنین پیشگیری از خشونت علیه زنان وضع شده‌اند.

نکته قابل توجه در رابطه با قوانین موجود این است که اکثر این قوانین بعد از تصویب نحوه اجرا و قلمرو اجرایی خود را مشخص نکرده‌اند و بعد از تصویب به صورت قوانین ساکن صرفاً موجب تورم قوانین شده و مانعی جهت اجرای قوانین مؤخرالتصویب می‌شوند. بسیاری از این قوانین بدون توجه به قوانین ماقبل خود تدوین و تصویب شده‌اند به طوری که دیده شده با تصویب قانونی بدون مطالعه، جلوی اجرای صحیح قانونی مطلوب گرفته شده است. همچنین با نگاهی کلی به قوانین حوزه حقوق زنان و مقابله با خشونت کاملاً مشخص است که هیچ بهبودی در نوع قانونگذاری و استانداردسازی قوانین مطابق نیاز زمان نشده است، به طوری که شکل و ماهیت جدیدترین قانون با شکل و ماهیت قدیمی‌ترین قانون در این حوزه کاملاً مشابه است. در حالت کلی می‌توان گفت هرکدام از قوانین و احکام قانونی در رابطه با مسأله مقابله با خشونت علیه زنان دارای نقاط قوت و ضعف می‌باشند و به همین خاطر نمی‌توان ادعا کرد که قوانین موضوعه ایران توانسته است با معضل خشونت علیه زنان مقابله کرده و ریشه آن را بخشکاند. لذا پیشنهاد می‌شود تا با اصلاح قوانین قبلی و وضع قوانین جدید مطابق نیازهای روز جامعه و استانداردهای بین‌المللی اقدام شود و کلیه دستگاه‌ها اعم از تقنینی، قضایی و اجرایی با همکاری و همراهی هم و با مطالعه همه‌جانبه در جهت اعتلای حقوق زنان و پیشگیری از انواع خشونت‌ها علیه زنان گام بردارند و از اقدامات خودسرانه و موردی و مقطعی که باعث تورم قوانین، تعدد مراجع اقدام کننده و سردرگمی مردم و تضییع حقوق زنان می‌شود اجتناب کنند.

منابع

- اشتریان، کیومرث، کشور دوست، سمانه، فراهانی، مجید، (۱۳۹۴)، اجراپژوهی در سیاستگذاری عمومی؛ موانع اجرای مطلوب برنامه چهارم توسعه در حوزه سلامت اجتماعی، مجله علمی پژوهشی سیاستگذاری عمومی، دوره اول، شماره ۲، صص. ۱۷-۲۸.
- آقاخانی، نادر، افتخاری، علی، زارعی خیرآباد، عباس، موسوی، احسان، دلیرراد، محمد، پرنده، مریم، اقتدار، سامره، رهبر، نرگس، (۱۳۹۱)، بررسی انواع خشونت شوهران علیه زنان و تأثیر عوامل مختلف در میزان بروز آنها در زنان مراجعه کننده به پزشکی قانونی شهرستان ارومیه در سال ۹۰-۹۱، مجله پزشکی قانونی، دوره ۱۸، شماره ۲-۳، صص. ۶۹-۷۸.
- بخشی سورشجانی، لیلا، (۱۳۸۵)، خشونت علیه زنان، پژوهش‌های تربیتی، شماره ۷، صص. ۳۳-۵۱.
- ثابتی، مریم، لطیفی، روح‌انگیز، محمدیان، مهرداد، (۱۳۹۳)، بررسی علل خشونت خانگی علیه زنان، فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، سال ۵، شماره ۲۰، ۲۲، ۹۷-۱۱۷.

حاتمی، علی اصغر، شرقی، مرضیه، (۱۳۹۷)، تاملی در ضرورت احراز عسر و حرج در محاکم جهت صدور حکم و گواهی عدم امکان سازش در کلیه طلاق‌ها، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۱۹، صص. ۸۶-۶۵.

حبیب زاده، محمدجعفر، علیپور، عادل، (۱۳۹۱)، تحلیل جرم ایجاد مزاحمت تلفنی، دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۳، شماره ۲، صص. ۸۳-۶۱.

شادمانی، مهدیه، (۱۳۹۶)، تحلیل و بررسی خشونت علیه زنان (مطالعه موردی زنان در اروپا)، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، شماره ۹، صص. ۸۶-۶۰.

معین، محمد، (۱۳۸۶)، فرهنگ معین (یک جلدی فارسی)، انتشارات زرین، تهران.

مرکز مالگیری، احمد، (۱۳۹۰)، تاملی در مرزهای سیاستگذاری و قانونگذاری (مطالعه موردی: مفاد قانون برنامه پنجم توسعه، مجلس و راهبرد، دوره ۱۸، شماره ۶۷، صص. ۲۱۳-۲۵۱).

نوبهار، رحیم، حسینی، سیده‌ام البنین، (۱۳۹۴)، قاعده لزوم معاشرت به معروف در روابط زن و شوهر، سال ۱۱، شماره ۴۱، صص. ۷۲-۵۳.

یکه کار، شیرین، حسینی، سید احمد، (۱۳۹۷)، ویژگی‌های خشونت خانگی علیه زنان و زمینه‌های فرهنگی مرتبط با آن، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، شماره ۱۶، صص. ۱۰۰-۴۱.

اعلامیه رفع خشونت علیه زنان مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مصوب ۱۹۹۳.

سند ملی امنیت بانوان و کودکان در روابط اجتماعی، ۱۳۹۴.

طرح جامع فوریت‌های اجتماعی در بلایا در جهت حمایت از زنان، ۱۳۹۳.

قانون الحاق یک بند و یک تبصره به ماده ۶ قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۷۷.

قانون برنامه پنجم توسعه ۱۳۸۸-۱۳۹۲.

قانون برنامه چهارم توسعه، ۱۳۸۴-۱۳۸۸.

قانون تصویب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، مصوب ۱۳۸۷.

قانون حمایت از حقوق و مسؤولیت‌های زنان در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی، مصوب ۱۳۸۵.

قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

قانون مدنی.

لایحه جامع تأمین امنیت زنان در برابر خشونت، مصوب ۱۳۹۵.

منشور حقوق شهروندی، مصوب ۱۳۹۵.

منشور حقوق و مسؤولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳.

موافقت نامه همکاری امنیتی بین دولت ایران و شورای وزیران بوسنی و هرزگوین مصوب ۱۳۸۷.

Controlling, preventing and combating violence against women in Iranian laws

*Amirreza Mahmoudi*¹³

*Haleh Majidi*¹⁴

Abstract

Violence against women, in addition to the harm done to the victim and its short-term and long-term effects on the lives of victims, due to the status and legal position of women in any society, has many political, economic and social consequences. Therefore, considering all its negative effects in various fields and consequently, the emergence of legal problems and difficulties in relation to this phenomenon, it is important to know the relevant laws regarding the control, prevention and confrontation with this problem. In this regard, this study first examines the existing laws and regulations related to combating and controlling violence against women in the relevant laws of Iran and by pointing to the existence of inflation in this area and through the challenging the existing gaps and shortcomings and lack of Necessary coordination between the legislative, executive and judicial bodies in relation to the issue and even expressing the strengths of the existing laws, has discussed the issue and has come to the conclusion that the adoption and implementation of the laws without comprehensive consideration or the adoption and implementation of the laws without paying attention to their effects not only has not helped the prevention and prevent and combat with violence against women, but also violated their rights.

Keywords: Violence against women, women's rights, Iranian laws. Validated inflation.

¹³. Assistant Professor of Law, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Gilan Amirreza.mahmodi@liau.ac.ir

¹⁴. Master of Criminal Law and Criminology, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Gilan